



لِيُعْزِبَ الْمُؤْمِنِينَ فِي لِقَائِهِ

مومن باید در آرزوی دیدار خدا باشد

توضیح:

بسته محتوایی محرم تلاشی است ناچیز در جهت غنی سازی روضه های عاشورا با تکیه بر منابع اصیل و معتبر تاریخی به فراخور هیئت تراز انقلاب اسلامی و با هدف ارائه تصویری منسجم و اصولی با توجه به سه عنصر اساسی عقل، حماسه، و عاطفه که شامل سرفصل های کلی؛

۱. فرازی از زیارت ناحیه مقدسه

۲. گریزهای مناجاتی (مناجات با خدا و امام حسین)

۳. مناجات با امام زمان (عج)

۴. مدح و حماسه

۵. ذکر مصیبت

۶. عبرتها

تذکر؛ در این بسته با توجه به اهمیت حفظ متون کلیدی و اصلی مقتل سعی شده که جملات موجز و کاربردی انتخاب شود، و ترجمه آنها به زبان رسمی در ذیل آنها آورده شود، در بعضی قسمت ها که مضمون پردازی شده است، با علامت ستاره (\*) و با زبان محاوره ای مشخص شده است.

## فرازی از ناحیه مقدسه؛

۱. مدح امام حسین(ع) از زبان امام زمان(عج)

كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلِدَا، وَ لِلْقُرْآنِ سَنَدًا  
تو برای پیامبر که درود خدا بر او و آل او باد فرزند، و برای قرآن  
پشتوانه بودی  
وَ لِلْأُمَّةِ عَضُدًا، وَ فِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا،  
و برای امت اسلام بازوی توانا، و در طاعت حق کوشا بودی،  
بِاذِلَالٍ لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ،  
تو آنچه در توان داشتی بذل نمودی، دارای رکوع و سجود طولانی  
بودی،  
زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا،  
تو مانند کسیکه از دنیا رخت بر خواهد بست از آن روگردان بودی،  
نَظِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا،  
و مانند کسانی که از دنیا در وحشت و هراس به سر میبرند به آن نگاه  
میکردی،

\*ارباب ما با اون همه شجاعت از دنیا می ترسیدن، ترس برا اینه  
که با دنیا انس نگیریم، برا همینه که مرگ برا اولیاء الله شیرینه،  
لذا ابی عبدالله فرمودن؛

لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ  
الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا

مومن باید آرزوی دیدار خدای خود را داشته باشد، پس به راستی  
که من شهادت را جز سعادت نمی یابم و زندگی با ظالمین را جز  
سنگینی و خواری و ناخوشایندی نمی یابم اللهموف، ابن طاوس ص ۷۹

...حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَ أَسْفَرَ الظُّلْمَ قِنَاعَهُ،  
تا آنکه جور و ستم دست تعدی دراز نمود، و ظلم و سرکشی نقاب از  
چهره برکشید،



وَدَعَا الْعُغْيُ أَتْبَاعَهُ ،  
 و ضلالت و گمراهی پیروان خویش را فرا خواند،  
 وَ أَنْتَ فِي حَرَمٍ جَدِّكَ قَاطِنٌ ، وَ لِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ ،  
 با آنکه تو در حرم جدت متوطن بودی، و از ستمکاران فاصله گرفته بودی،  
 جَلِيسُ الْبَيْتِ وَ الْمِحْرَابِ ،  
 و مُلَازِمُ مَنْزِلِ وَمِحْرَابِ عِبَادَتِ بُوْدِهِ،  
 مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَ الشَّهَوَاتِ ،  
 و از لذتها و شهوات دنیوی کناره گیر بودی،  
 تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَ لِسَانِكَ، عَلٰی حَسْبِ طَاقَتِكَ وَ اِمْكَانِكَ،  
 و بر حسب طاقت و توانت مُنْكَر را با قلب و زبانت انکار می نمودی،  
 ثُمَّ اِقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْاِنْكَارِ،  
 پس از آن علم و دانشت اقتضای انکار آشکار نمود،  
 وَ لَزِمَكَ اَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ ،  
 و بر تو لازم گشت با بدکاران رویاروی و جهاد کنی،

## ۲. مقدمه ی روضه

فَسِرْتِ فِي اَوْلَادِكَ وَ اَهْلِيكَ ، وَ شِيْعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ  
 بنابراین در میان فرزندان و خانواده ات، و پیروان و دوستانت روانه شدی

خداوند می خواهد خانواده ات را اسیر ببیند!

فَاِنَّ اللّٰهَ قَدْ شَاءَ اَنْ يَّرَاكَ قَتِيْلًا... اِنَّ اللّٰهَ قَدْ شَاءَ اَنْ يَّرَاهُنَّ سَبَايَا  
 ای حسین! خارج شو! که همانا خداوند می خواهد تو را کشته  
 ببیند، محمّد حنیفه عرض کرد: اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاْجِعُوْنَ ؛ حال که  
 چنین است ، بردن زنان با خود چه معنا دارد؟ امام فرمودند: پیامبر  
 (ص) فرمودند که: خداوند می خواهد آنان را نیز در لباس اسارت  
 ببیند. اللهوف على قتلى الطفوف، ص ۶۴

\* اون روز همه ما رو هم با خودش برد و کربلایی کرد، ابی عبدالله



به محمد بن حنفیه فرمودن؛ پیامبر در عالم رویا به من فرمودن؛  
این آخرین درجه کلاس عبودیت، که فقط انسان خدا رو ببینه و لا  
غیر؛ این دو بیتی که منسوب به امام حسین خلی با دل آدم بازی  
میکنه ؛

تَرَكَتُ الْخَلْقَ طَرًّا فِي هَوَاكَ      وَأَيَّتَمْتُ الْعِيَالَ لِكَيِّ أَرَاكَ  
وَلَوْ قَطَعْتَنِي فِي الْحُبِّ إِرْبَا      لَمَا حَنَّ الْفُؤَادُ إِلَى سَوَاكَ

سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله ، ص ۳۶۵

مردم را تماما به هوای تو ترک گفتم، و [راضی شدم] فرزندانم یتیم  
گردند تا تو را ملاقات کنم  
اگر مرا در راه عشق [خود] قطعه قطعه کنی، دلم [ذره ای] به سوی  
غیر تو تمایل پیدا نمی کند.

برخی از وقایع بین راه (قبل از کربلا)

خطبه ی مهم حضرت (بعد از ممانعت لشکر حر از حرکت امام)

۱. شهادت زینت است

قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ  
رَسُولِهِ خُطَّ الْمَوْتُ عَلَيَّ وَوُلِدَ آدَمَ مَخْطُ الْقِلَادَةِ عَلَيَّ جِيْدِ الْفَتَاةِ  
وقتی امام تصمیم گرفتند به سوی عراق حرکت کنند، مقابل  
جمعیت ایستادند و خطبه ای فرمودند: مرگ بر فرزندان آدم حک  
شده است مثل جای گردنبند بر گردن دختران جوان.

۲. شهادت گمشده ی مومن است (مانند یعقوب که یوسف را گم کرده بود)

وَ مَا أَوْلَهَنِي إِلَى أَسْلَافِي اِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ مِنْ مُنْتَظَرٍ  
دیدن پیشینیان خویشم مثل اشتیاقی که یعقوب به دیدار یوسف داشت.



وَ خَيْرٌ لِي مَصْرَعٌ أَنَا لَاقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَتَقَطَّعُهَا عَسَلَانُ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَ  
كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِبَةً سُغْبًا اللهوف، ابن طاوس ٦١

سرزمینی برای کشتن من انتخاب شده که به آن خواهیم رسید  
و گویا می بینیم که اعضای بدنم را گرگهای بیابان بین نواویس  
و کربلا پاره پاره می کنند تا شکم های گرسنه ی خود را سیر  
گردانند و انبان های خالی خویش را پر کنند...

۳. راضی ام به رضای دوست!

لَا مَحِيصَ عَن يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رَضَى اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصَبٌ عَلَى بَلَائِهِ وَ  
يُوفِينَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ اللهوف، ابن طاوس ٦١  
هیچ گریزی از روزی که مقدر شده نیست، رضای ما اهل بیت  
رضای خداست، بر بلای خدا صبر میکنیم و خداوند اجر صابرین را  
به ما میدهد.

۴. این خانواده پراکنده نمی شوند!

لَنْ تَشُدَّ عَن رَسُولِ اللَّهِ لِحُمَّتِهِ وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقَرُّ بِهِمْ  
عَيْنُهُ وَ يُنَجِّزُ بِهِمْ وَعْدَهُ اللهوف، ابن طاوس ٦١  
پاره های تن رسول خدا از هم جدا نمی شوند، و در حظیره قدس  
همه جمع میشوند و به وسیله آنها چشمش روشن می شود، و  
وعدۀ الهی قطعی میگردد.  
\*لذا روز عاشورا هر کس از این خانواده زمین می افتاد، پیامبر  
میاومدن و به اون دلداری میدادن، و تشنه ها رو هم از آب کوثر  
سیراب میکردن.



۵. هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله

مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي

رَاحِلٌ مُضِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى اللهوف، ابن طاوس ۶۱

هر کس حاضر است خون قلبش را در راه ما ببخشد و خود را برای دیدار خدا آماده کرده، پس با ما بیاید، ما ان شالله فردا بامداد عازم هستیم.

\*هر کس هوس کربلا داره باید دو شرط رو برا خودش محقق کنه؛  
۱. بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ یعنی شهادت طلب باشه ۲. مُوْطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ یعنی اهل خودسازی و مهیای ملاقات با خدا باشه ..

یک خطر بزرگ!!

قُلُوبُهُمْ مَعَكَ وَ السُّيُوفُهُمْ مَعَ بَنِي أُمِيَّةٍ تاریخ طبری، ۳۸۶ / ۵، به نقل از ابی مخنف

حسین [علیه السلام] به فرزدق فرمود: خبر مردم کوفه را برایمان بیان کن. فرزدق گفت: از فرد آگاهی سؤال کردی: دلهای مردم با شما و شمشیرهایشان با بنی امیه است

\*چه طور میشه که قلب کسی با امام زمانش باشه ولی شمشیرش بر علیه امام زمانش و به نفع دشمنانش؟! ما الان می تونیم ادعا کنیم قلبامون با آقامونه، اما آیا شمشیرمون تو کدوم جبهه داره می جنگه؟! هیئت امام حسین باید خروجیش نوکریایی باشن که قلوبهم مع الحسین و سیوفهم للحسین باشه وگرنه فقط قلوبهم معک آدم نجات نمیده، همون طوری که کوفیا رو نجات نداد، حتی گریه هم میکردن برا غربت حسین، اما عرضه فدا شدن نداشتن..

دعای اختصاصی امام حسین (ع) برای شیعیانش

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا وَ لِشِيعَتِنَا مَنْزِلًا كَرِيمًا وَ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ

رَحْمَتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللهوف، ابن طاوس ۷۷-۷۵

خدایا برای ما و شیعیان ما منزل با کرامتی قرار بده و ما و آنها



را در جایگاه رحمت جمع کن، به راستی که تو به هر چیزی توانایی.

اگر نوکر عازم و جاذم باشد خرجی اش پای ارباب است!  
مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْطَلِقَ مَعَنَا إِلَى الْعِرَاقِ وَفِيْنَاهُ كِرَاءَهُ وَ أَحْسَنَّا صُحْبَتَهُ  
کسی که دوست دارد با ما بیاید حق دوستی و سفر را به صورت کامل به جا می آوریم.

\*حسین(ع) عجب رفیقیه! قرآن بهترین رفقا رو این طور میگه؛  
و من يطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين  
و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا س نساء آیه ی ۶۹  
و کسانی که خدا و رسول را اطاعت کنند البته با افرادی که خداوند  
به آنها عنایت نموده یعنی با پیمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران  
هستند و ایشان چقدر رفقای نیکوئی برای آنان خواهند بود.  
وَمَنْ لِحِقِّ بِي أُسْتَشْهِدَ. شهادت شرط رسیدن است.

رسیدن کاروان به کربلا

## ۱. کربلا اینجاست

فَقِيلَ كَرْبَلَاءُ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَ الْبَلَاءِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مَوْضِعُ  
كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ انزِلُوا هَاهُنَا مَحَطُّ رِحَالِنَا وَ مَسْفَكُ دِمَائِنَا وَ هُنَا مَحَلُّ قُبُورِنَا بِهَذَا  
حَدَّثَنِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، ابن طاوس، ص ۸۱

و تا امام نام کربلا را شنیدند، فرمودند خداوندا به تو پناه می برم  
از غم و بلاها... سپس فرمودند: اینجا محل اندوه و بلاست، پیاده  
شوید. اینجا جای پیاده شدن و محل ریختن خون ما و جایگاه قبور  
ماست. این خبر را جدم، رسول خدا به من فرموده.

## ۲. معانی لغوی کربلا و تناسب آن با این امتحان بزرگ

در اینکه کربلا به چه معناست و از چه ترکیب شده، نظرهای گوناگونی





هست. یاقوت حموی ذیل واژه «کربلا» اشتقاق آن را از «کربل» دانسته که دارای معنای زیر است: ۱. سست بودن خاک زیر پا. بدان جهت این نام را بر آن سرزمین گذاشته اند که دارای خاک نرمی است که پا در آنجا فرو میرود؛ و به هر سرزمینی که این خصوصیت را دارد، «کربلا» می گویند، ۲. «کربله» به معنای تصفیه و غربال کردن است، چنان که درباره گندمی که از شن و سنگ و دیگر چیزها پاک شود، میگویند «کربلت الحنطة» یعنی گندم را تمیز کردم. (ر.ک: ابو مخنف، وقعة الّطف تحقیق یوسفی غروی، پاورقی ص ۱۷۹)

\*طبق معنای اول؛ کربلا بیابونیه که خاکش نرمه، اونایی که اهل پیاده روی هستن میدونن، رو خاک نرم پیاده رفتن با لب تشنه چقدر طاقت فرساست، طبق معنای دوم کربلا جاییه که اونایی که خالص شدن برا اربابشون به این وادی راه پیدا میکنن، یعنی غربال شده ها میان کربلا، یا اگه اومدن تو کربلا غربال میشن.

### ۳. به کربلا که میرسی روی زمین دنیا نیستی!

ابن قولویه از امام باقر (ع) نقل کرده است که امام حسین (ع) از کربلا این نامه را به برادرش محمد بن حنفیه نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم. من الحسين بن علي الی محمد بن علی و من قبله من بنی هاشم، اما بعد فكأن الدنيا لم تكن و كأن الاخرة لم تنزل، والسلام؛

از حسین بن علی و دیگر بنی هاشم که با او هستند {پس از سلام و حمد و ثنا} گویا دنیایی در کار نبوده است و گویا آخرت همچنان بوده و هست. والسلام.

\*آدم قبل اینکه به کربلا برسه یه تصور دیگه ای داره شاید تو دلش صدها حاجت باشه، اما همین پاشو تو حرم میزاره از خود بی خود میشه و خودشو فراموش میکنه از نامه حسین (ع) به محمد بن حنفیه میشه این فهمید که حتی حسین هم وقتی وارد کربلا شد یه حال دیگه ای داشت، این حالت ارباب به تمام نوکراش سرایت پیدا کرده، حاج آقا پناهیان نقل میکردن که یه نفر اومد پیش من گفت؛ من می خوام برم کربلا چی بخوام از امام حسین!؟



گفتم دفعه اولته؟ گفت؛ بله، گفتم حالا برو خودت می فهمی، وقتی برگشت ازش پرسیدم چه خبر؟! گفت؛ اصلا خودمو فراموش کردم (این فراموشی مقدمه پیدا کردن خوده) فقط محو حسین(ع) شدم!!

#### ۴. وطنم کربلاست!

هنگاهی که آن حضرت وارد کربلا شدند، آن سرزمین را برای شیعیان و موالیان خود خریدند.

روایت شده که امام حسین (ع) آن نواحی که قبر آن جناب در آنجاست از اهل نینوی و غاضریه به شصت هزار درهم خریدند. سپس آن زمین را به ایشان تصدیق نموده و شرط کردند که زوآر را به آن قبر شریف راهنمایی کنند، و تا سه روز آنان را مهمان نمایند (انصافاً به این شرطشون خوب عمل کردن، اربعین و این همه مهمون نوازی از زائرهای حسین گواه خوبیه). مستدرک، ج ۱۰، ص ۳۲۱، باب ۵۰ امام صادق(ع) فرمودند: حرم امام حسین (ع) که چهار میل در چهار میل است آن بزرگوار آن را خرید، برای فرزندان و موالیانش حلال است (که از آن استفاده کنند و ساکن شوند) و بر غیر ایشان از مخالفان آن جناب حرام است، و برکت خداوند در حرم حسین (ع) می باشد. مستدرک، ج ۱۰، ص ۳۲۱، ج ۶؛ مقتل مقرر، ص ۲۳۵؛

#### ۵. گفتگوی پیامبر(ص) با دخترش فاطمه در مورد کربلا و بشارتهای ایشان!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَ الْحُسَيْنُ مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ سَالِيكَ وَ أَهْلَكَ اللَّهُ الْمُتَوَازِرِينَ عَلَيْكَ وَ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ

مسمع بن عبد الملک از ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السلام را مادر گرامیشان حمل می کردند،



رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را گرفته و فرمودند:  
خداوند متعال کشندگان تو را لعنت کند، حقتعالی کسانی که حق  
تو را (یا اموال تو را غارت نمودند) را لعنت نماید، خدا بکشد آنان  
را که یک دیگر را بر علیه تو کمک می کنند، و بین من و آنان  
حکم بنماید.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا أَبَتِ أَيِّ شَيْءٍ تَقُولُ؟

قَالَ يَا بِنْتَاهُ ذَكَرْتُ مَا يُصِيبُهُ بَعْدِي وَ بَعْدَكَ مِنَ الْأَذَى وَ الظُّلْمَ وَ الغَدْرَ وَ  
البَغْيَ وَ هُوَ يَوْمٌ فِي عُصْبَةٍ كَانَتْهُمْ نُجُومُ السَّمَاءِ يَتَهَادُونَ إِلَى القَتْلِ وَ كَأَنِّي  
أَنْظُرُ إِلَى مُعَسَّكِرِهِمْ - وَ إِلَى مَوْضِعِ رِحَالِهِمْ وَ تُرْبَتِهِمْ

حضرت فاطمه سلام الله عليها عرض کردند:

ای پدر چه می فرمائید؟

حضرت فرمودند:

دخترم مصیبت هائی که بعد از من و تو به او می رسد و اذیت ها و  
ظلم ها و مکرها و تعدی هائی که متوجهش می گردد را به یاد آوردم،  
او در آن روز در میان جمعی مردان که جملگی همچون ستارگان  
درخشانند، بوده و همگی به طرف مرگ و کشتن حرکت می کنند،  
گویا اکنون لشکرگاه آنها را دیده و به جایگاه و محل دفن ایشان  
می نگرم.

فَقَالَتْ يَا أَبَتِ وَ أَيْنَ هَذَا الْمَوْضِعِ الَّذِي تَصِفُ؟

قَالَ مَوْضِعٌ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَاءُ وَ هِيَ ذَاتُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْأُمَّةِ  
يَخْرُجُ عَلَيْهِمْ شِرَارُ أُمَّتِي وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ يَشْفَعُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ  
الْأَرْضِينَ مَا شَفَعُوا فِيهِمْ وَ هُمْ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ

حضرت فاطمه سلام الله عليها عرض کردند:

ای پدر جایی را که توصیف می فرمائید کجا است؟

حضرت فرمودند: مکانی است که به آن کربلاء می گویند و آن زمین



برای ما و امت موجب اندوه و بلاء است، بدترین افراد امت من بر ایشان خروج می‌نمایند، اگر تمام اهل آسمان‌ها و زمین شفیع یک نفر از این گروه شرور باشند شفاعتشان پذیرفته نشود و بطور قطع تمام آنها در جهنم جاوید خواهند بود.

قَالَتْ يَا أَبَتِ فَيُقْتَلُ؟

قَالَ نَعَمْ يَا بِنْتَاهُ قُتِلَ قَبْلَهُ أَحَدٌ كَانَ تَبَكِّيهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالْوَحْشُ وَالْحَيَاتَانُ فِي الْبِحَارِ وَالْجِبَالِ لَوْ يُؤَذِّنُ لَهَا مَا بَقِيَ عَلَى الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ  
حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

پدر، این طفل کشته خواهد شد؟! حضرت فرمودند: بله، دخترم، پیش از او کسی این طور کشته نشده که آسمان‌ها و زمین و فرشتگان و حیوانات وحشی و ماهی‌های دریا و کوهها برایش گریه کنند.

اگر این موجودات مأذون بودند پس از شهادت این طفل هیچ موجود نفس کشنده (موجود زنده ای) روی زمین باقی نمی ماند (شاید منظور این است که همه یا از فرط غصه یا از روی عذاب می مردند)

وَ تَأْتِيهِ قَوْمٌ مِنْ مُحِبِّينَا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ لَا أَقْوَمُ بِحَقِّنَا مِنْهُمْ وَ لَيْسَ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَفِتُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ فِي ظُلُمَاتِ الْجَوْرِ وَ هُمْ الشُّفَعَاءُ وَ هُمْ وَارِدُونَ حَوْضِي عَدَاً أَعْرِفُهُمْ إِذَا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسِيمَاهُمْ- وَ أَهْلُ كُلِّ دِينٍ يَطْلُبُونَ أُمَّتَهُمْ وَ هُمْ يَطْلُبُونَنَا وَ لَا يَطْلُبُونَ غَيْرَنَا وَ هُمْ قَوْمُ الْأَرْضِ بِهِمْ

يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوِيلِهِ كامل الزيارات، ابن قولويه ٦٩ الباب الثاني و العشرون

و گروهی از دوستان ما خواهند آمد که در روی زمین کسی از آنها عالم از آنها به خدا نبوده و کوشاتر در اقامه حق ما از آنها نمی توان یافت و روی زمین احدی غیر از ایشان نیست که مورد التفات و توجه باشد، ایشان چراغ‌های فروزانی بوده که در ظلمات جور و ستم می درخشند، ایشان شفعا دیگران بوده و در فردای قیامت بر حوض من وارد خواهند شد، هنگامی که بر من وارد شوند بوسیله



سیما و چهره‌اشان می‌شناسمشان و اهل هر دینی پیشوایان خود را طلب نموده و ایشان ما را طالب بوده و غیر ما را طلب نمی‌کنند، ایشان باعث قوام و استوار بودن زمین می‌باشند، به برکت آنها باران بر زمین می‌بارد.

## ۶. روضه ی خانوادگی و صمیمی حسین (ع) در کربلا!

قال: فَجَمَعَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَدَهُ وَ إِخْوَتَهُ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ، ثُمَّ نَظَرَ إِلَيْهِمْ قَبْكَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّا عَتْرَةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ قَدْ أَخْرَجْنَا وَ طَرِدْنَا وَ أَزَعَجْنَا عَن حَرَمِ جَدِّنا وَ تَعَدَّتْ بَنُو أُمَّيَّةَ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ فَخُذْ لَنَا بِحَقِّنا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ

الظالمين. نفس المهموم، الشيخ عباس القمي ص ۱۸۹

پس حسین (ع) بچه‌ها و خواهرش و اهل بیتش را جمع کرد، سپس به آنها نگاه کرد و ساعتی گریه کرد و فرمود: خدایا! ما عترت پیامبر تو محمد (ص) هستیم و ما را از دیارمان خارج و طرد کرده‌اند و ما را از حرم جدمان رانده‌اند و بنی‌امیه در حق ما ظلم کرده‌اند، خدایا! پس حق ما را بگیر و ما را بر قوم ظالمین یاری کن.

## ۷. اشعاری در بی وفایی دنیا

وَ جَلَسَ الْحُسَيْنُ ع يُصْلِحُ سَيْفَهُ وَ يَقُولُ:

وقتی همه از اسبها پیاده شدند و منزل گرفتند، امام گوشه‌ای به اصلاح شمشیرشان پرداختند و این اشعار را زمزمه می‌کردند:

كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَ الْأَصِيلِ      يَا دَهْرُ أَفَّ لَكَ مِنْ خَلِيلِ  
وَ الدَّهْرُ لَا يَقْنَعُ بِالْبَدِيلِ      مِنْ طَالِبٍ وَ صَاحِبِ قَتِيلِ  
وَ كُلُّ حَيٍّ سَالِكٌ سَبِيلِ      مَا أَقْرَبَ الْوَعْدَ مِنَ الرَّحِيلِ

ای دنیا! اف بر دوستی تو که بسیار از دوستان و خواستارانت را سپیده دمان و شامگاهان به کشتن می‌دهی و هرگز به بدیل آنان قناعت



نمی‌ورزی، چقدر زمان بار بستن و کوچیدن نزدیک است!

#### ۸. بی‌تابی زینب و اهل حرم با شنیدن این اشعار

فَسَمِعَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ فَاطِمَةَ ذَلِكَ فَقَالَتْ يَا أَخِي هَذَا كَلَامٌ مَنْ أَيْقَنَ بِالْقَتْلِ  
فَقَالَ نَعَمْ يَا أُخْتَاهُ فَقَالَتْ زَيْنَبُ وَ أَ تُكَلِّاهُ يَنْعَى الْحُسَيْنُ إِلَيَّ نَفْسَهُ قَالَ: وَ بَكِي

النُّسْوَةَ وَ لَطْمَنَ الْخُدُودَ وَ شَقَّقَنَ الْجُيُوبَ اللهوف، ابن طاوس ص ۸۲

وقتی حضرت زینب شنیدند، گفتند: برادر جان این سخن کسی است که یقین به کشته شدن دارد... فرمود: آری خواهر جان! زینب گفت: چه مصیبتی! حسین از شهادت خود خبر می‌دهد! در این هنگام زنها به گریه افتادند و سیلی به صورتشان می‌زدند و گریبان پاره می‌کردند...

#### ۹. تسلی و دلداری حسین به زینب و اهل حرم

يَا أُخْتَاهُ تَعَزِّي بِعَزَاءِ اللَّهِ فَإِنَّ سُكَّانَ السَّمَاوَاتِ يَفْنُونَ وَ أَهْلَ الْأَرْضِ كُلَّهُمْ  
يُمُوتُونَ يُمُوتُونَ وَ جَمِيعَ الْبَرِّيَّةِ يَهْلِكُونَ اللهوف، ابن طاوس ص ۸۲

وقتی اهل حرم از خبر دادن امام از شهادت خودشان، بی‌تابی کردند؛ امام آنها را تسلی دادند و فرمودند: خواهر جان! شکیبائی کن! زیرا ساکنین آسمانها همه فانی می‌شوند و اهل زمین همه می‌میرند و مردم هلاک می‌شوند.

#### ۱۰. درخواست بسیار مهم حسین از اهل حرم!

ثُمَّ قَالَ يَا أُخْتَاهُ يَا أُمَّ كَلْثُومَ وَ أَنْتِ يَا زَيْنَبُ وَ أَنْتِ يَا فَاطِمَةَ وَ أَنْتِ يَا  
رَبَابُ انظُرْنَ إِذَا أَنَا قُتِلْتُ فَلَا تَشَقَّقْنَ عَلَيَّ جَبِيًّا وَ لَا تَخْمِشْنَ عَلَيَّ وَجْهًا

وَ لَا تَقْلَنَّ هُجْرًا اللهوف، ابن طاوس ص ۸۲

سپس فرمودند: ای کلثوم! ای زینب! ای فاطمه! ای رباب! متوجه باشید که وقتی من کشته شدم، گریبان پاره نکنید و سیلی به صورت نزنید و



سخنی که خدا راضی نیست، نگوئید..

۱۱. تسلی دوباره حسین به خواهرش و یاد آوری مصائب گذشته (گریز به عاشورا)

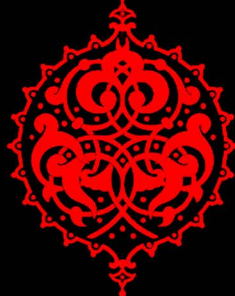
وَ خَرَّتْ مَغْشِيَةً عَلَيْهِ فَقَامَ، فَصَبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ حَتَّى أَفَاقَتْ ثُمَّ عَزَّاهَا بِجُهِدِهِ وَ  
ذَكَرَهَا لِمُصِيبَتِهِ مَمُوتٍ أَبِيهِ وَ جَدِّهِ اللّهُوف، ابن طاوس ص ۸۲

و زینب بیهوش شد و روی زمین افتاد، حسین(ع) برخاست آب به صورت خواهر پاشید تا به هوش آمد و او را تسلی داد و مصیبت جد و پدرش را یادآوری کرد تا شهادت خود را کوچک جلوه دهد.  
\*شاید این حرکت حسین که آب به صورت زینب پاشید، تو ذهن خواهر موند، و به فکر جبران بود، تا اینکه عصر عاشورا رسید، شاید وقتی لبای خشک حسین رو دید که از شدت عطش مثل دو چوب خشکیده بودن، دوست داشت یه جرعه آب رو لبای حسین بریزه  
اما...

۱۲. استتار با خار مگیلان (گریز به روضه ی پاهای برهنه و خار مگیلان)

اما دینوری در این باره، نوشته است: زهیر به حسین (ع) گفت: نزدیک ما، کنار رود فرات، یک آبادی است که پر از خارهای (مگیلان) است {و موجب استتار و مانع نفوذ دشمن می شود} و فرات آن را از سه سو احاطه کرده است. امام پرسیدند: نامش چیست؟ گفت عقر. فرمودند: پناه میبریم به خدا از عقر. مقتل جامع  
\*معلوم میشه که خار مگیلان تو این سرزمین اونقدر زیاد بوده که زهیر برای استتار خیمه ها این پیشنهاد رو میده، حالا پاهای برهنه و پیاده بچه ها و اهل بیتی که از این مسیر به اسارت میرن ...





موسسه فرهنگی رسانه‌ای نفحات صبح

بلوار امین، کوی ۱۰ پلاک ۲۰، طبقه سوم

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۴۲۰۶۴

فکس: ۰۲۵-۳۲۹۴۲۰۶۸

[MahdiSalahshour.ir](http://MahdiSalahshour.ir)

منتظر نظرات و پیشنهادات سازنده شما هستیم.